

از بنز و فولکس تا پیکان و لندکروز

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۹
۳ رجب ۱۴۴۲ • ۱۵ فوریه ۲۰۲۱
شماره ۳۰۵۹۹

۱۸۱۹

مثل محرم باشیم نه محمود

بدشانسی، وجود رقیب و... عوامل مهمی در زندگی خانوادگی، شغلی و تحصیلی ما هستند اما در نهایت عامل نهایی خود ما هستیم؛ این است فرق فکری با نوید کیا

سید سورتا ساداتی | روزنامه نگار

خبر نگار از محمود فکری درباره این می پرسد که چرا تیمش هر روز با یک ترکیب تازه به میدان می‌رود؛ فکری بی توجه به این که این سوال دغدغه میلیون‌ها هوادار تیمش است سالن کنفرانس را ترک می‌کند. نقطه مقابل او مربی جوان سپاهان بود یعنی محرم نوید کیا که تیمش بدون فوق ستاره‌ها در صدر است. محرم با انگیزه و بدون حاشیه جلو می‌رود. هر دوی این رفتارها در زندگی عادی ما هم وجود دارد. افرادی که نقد پذیر نیستند، همه را مقابل خودشان می‌دانند و افرادی که بهر غم مشکلات روی اصل کار تمرکز دارند. قصه فوتبال را با همین نکات می‌توان به‌زندگی پیوند زد.

فاصله بین ادعای حرفه‌ای بودن در فوتبال ما، پول‌هایی که در آن رد و بدل می‌شود و ژست‌های اهالی‌اش، با آن چیزی که در عمل می‌بینیم به طرز عجیبی زیاد است. فوتبالی که خیلی اوقات بیانگر آینه و وجود اشکالات اساسی در جامعه است. انگار فوتبال ما آمده تا به جای بازی‌های زیبا و پرگل، با حواشی بسیارش پر مخاطب باشد. فوتبالی که پر از دعوا و بیانه است. کمتر زمانی بوده که در این فوتبال حال خوب را تجربه کرده باشیم. کمتر وقتی را سراغ داریم که فوتبالی‌ها حس خوب را به جامعه تزریق کرده باشند. حاشیه در فوتبال دنیا همیشه بوده و هست. اما جنس حواشی فوتبال ما خیلی متفاوت است. طوری که ما لایه‌های حواشی گاهی تجربه شیرینی از فوتبال را هم احساس می‌کنیم. مربیان و بازیکنان بعد از موفقیت با ددر غیغ می‌اندازند و از خودشان تعریف می‌کنند. اما بعد از هر ناکامی زمین و زمان را به هم می‌دوزند؛ همه به هستند، همه از داور گرفته تا مربی حریف تا تماشاگری که حالا در ورزشگاه نیست و بعدش هم از فدراسیون تا آب و هوا و کائنات و حتی نوع غذای قبل بازی فقط و فقط در راستای ناکامی تیم بازنده طراحی شده؛ ادعاهای تکراری. بعضی‌ها مثل گل محمدی کمتر، بعضی‌ها مثل فکری بیشتر. فراموش نکنیم گل محمدی یک بار بعد از دربی حذفی از افرادی گفت که نمی‌گذارند پرسپولیس موفق شود. اما روند موفقیت‌های تیمش در آسیا همه را غافلگیر کرد و آن اتاق فکری که قرار بود مانع موفقیت آن‌ها شود نیست و نابود شد تا دربی اخیر که ناگهان گل محمدی یادش آمد دندان‌پزشک وزیر ورزش هنوز در هیئت مدیره تیمش حضور دارد و شرط و شروط گذاشت. شروطی که به محض موفقیت‌های پرسپولیس به فراموشی سپرده شد. حالا هم محمود فکری که در نتیجه‌گیری متوسط بوده و در ارائه فوتبال تماشاگر پسند ضعیف، نه جواب سوال خبرنگاران را می‌دهد؛ نه مسئولیت شکست را قبول می‌کند؛ حتی می‌گوید نمی‌داند چرا بازیکنانش عملکرد خوبی ندارند. انگار مسئولیت بازیکن با مربی نیست. جالب است رفتار بازیکنان و مربیان ما چقدر هم تکراری و آشناست. خیلی از ما در اداره، در فامیل، در خانواده و حتی در مجتمع آپارتمانی یک رقیب جدی داریم که پشت ناکامی‌های ماست. هیچ وقت نمی‌خواهیم کم کاری یا اشتباه خودمان را گردن بگیریم و علت ناکامی‌ها را در خودمان پیدا کنیم. دوست داریم با قراکتنی، اطرافیان و گاهی خودمان را هم گول بزنیم و باور کنیم موفقیت حق ما بوده که به ناحق از ما سلب شده. سال‌ها قبل افشین قطعی با تعریف و تمجید بعد بر دو باخت، از تیم حریف با ادبیات قلب شیر، بدون حاشیه و با رفتارهای تازه‌ای به فوتبال ما آمد و از آن استقبال هم شد. این روز ما محرم نوید کیا هم با همان الگو سپاهانی را که چندان پرمهره نیست تا صدر جدول برده. تیم او در گیر حواشی، دشمنان فرضی، چالش داوری، تقابل با فدراسیون و... نیست و خیلی خوب با تمرکز روی داشته‌ها نتیجه می‌گیرد. محرم با همان اخلاق ماخو به حیای قدیم، با همان تواضع گذشته، دارد یک سپاهان دوست داشتنی و موفق را به فوتبال معرفی می‌کند. تیمی که سر حال است، حاشیه ندارد، حتی اگر داوری علیه آن باشد یک اشتباه را محصول یک اتاق فکر نمی‌داند و در نهایت می‌داند همه مشکلات می‌توانند مانع موفقیت ما باشند اما همیشه عامل نهایی در تعیین سر نوشت خود ما هستیم. امیدواریم محرم نوید کیا در پیچ و تاب این فوتبال بی اخلاق و پر حاشیه در کسوت مربیگری همین‌طور باقی بماند. خلاصه این که کاش در زندگی شخصی، کاری و خانوادگی مثل محرم باشیم نه محمود خان.



شنیدن صدای آژیر خودروی پلیس یکی از تجربیات همه‌ماست اما این که از چه خودرویی این صدا پخش شده، چیزی است که در ۸۰ سال اخیر، بارها بارها تغییر کرده است. به‌طور کلی سیر تحول خودروهای پلیس راهتمایی و روانندگی طی ۸۰ سال اخیر در کشورمان جالب است. از دهه ۱۳۲۰ که خودروهای آلمانی، انگلیسی و آمریکایی به خدمت شهربانی کل کشور در آمدند تا امروز که از بنز، مگان و سوزوکی گرند ویتارا برای کارهای مربوط استفاده می‌شود. شاید کمتر کسی به نوع خودروها و تجهیزاتات به کار رفته در آن‌ها توجه کرده باشد ولی آن چه مسلم است این که صرف‌نظر از قدمت طولانی استفاده از خودرو در این بخش تنها طی چند سال اخیر شاهد ارتقای تجهیزات در این خودروها بوده‌ایم به عبارت دیگر خودروهای پلیس شاید بیش از ۶۰ سال جز به چراغ‌های گردان، بی‌سیم و بلندگو به چیز دیگری مجهز نبوده‌اند اما امروز به سیستم‌هایی نظیر دوربین‌های خودکار، دستگاه‌های GPS، لوازم تشخیص مصرف‌نوشیدنی‌های غیرمجاز توسط رانندگان، امکانات ماهواره‌ای، رایانه‌ای و... تجهیز شده‌اند. در پرونده امروز زندگی سلام به سیر تحول این خودروها اشاره می‌کنیم.

پرونده



در سال ۱۹۲۰ میلادی ساخته و برای به کارگیری در شهربانی روانه تهران شد. البته در آن زمان هنوز چراغ گردان یا بی‌سیم روی این خودروها نصب نمی‌شد و تنها با آلوقو و نوشته شهربانی و رنگ مشکی و سفید قابل تشخیص بودند.

چه خودرویی؟ فولکس بیتل چه دهه‌ای؟ ۱۳۳۰

فولکس واگن قورباغه‌ای شکل به نام (volkswagenbeetle) یا دورنگ مشکی و سفید که به یک چراغ گردان آبی‌رنگ و یک دستگاه بی‌سیم با برد محدود مجهز شده بود از جمله وسایل نقلیه مورد استفاده پلیس راهنمایی و رواندگی در آن زمان بود. بیتل محبوب دنیا با موتور هواخنک جذاب خودش یادگاری از رزشمندی‌شد از «پورشه» با داشتن یک موتور ۱۱۳۱ سی‌سی و با قدرت ۳۰ اسب بخار این بیتل زیبا به حداکثر سرعت ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت می‌رسید.



چه خودرویی؟ دوج رویال چه دهه‌ای؟ ۱۳۴۰

دهه ۱۳۴۰ را باید تقریباً آغاز دوباره ورود خودروهای آمریکایی به کشورمان دانست. دوج‌های کرنت ۸ سیلندر ساخت کشور آمریکا با پالاک‌های سهرقمی دست‌نویس که حداکثر سرعت آن‌ها به ۲۰۰ کیلومتر بر ساعت می‌رسید از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۴ در کشورمان استفاده می‌شد. به‌رسم فانتری‌های هیجان‌انگیز آن دوره این دوج نیز به شکل یک سفینه طراحی شده بود و ابهت خاصی داشت. این خودرو با یک موتور ۸ سیلندر ۱۸۹۹ اسب بخار قدرت و با قیمتی فراتر از ۲ هزار دلار از نسخه‌های خاص خودروی پلیس ایران محسوب می‌شد. همچنین دوج کرنت دارای یک بلندگوی کوچک بود که روی گلگیر جلو کنار کلپوت نصب می‌شد و مجهز به یک بی‌سیم دستی، چند پروژکتور و یک چراغ گردان ثابت بود.

چه خودرویی؟ مرسدس بنز W114 چه دهه‌ای؟ ۱۳۵۰

باز هم بنز باز هم آلمان. نسخه «W114» که با مدل ۲۳۰ آن‌رامی شناسیم هم از جان‌سخت‌های پلیس بود. اودر کنار خود، یاران بسیاری دید که هیچ کدام دوام و توانایی او را نداشتند. با دارا بودن یک موتور ۶ سیلندر با سیستم سوخت‌رسانی جدید، این بنز در مدل پایه توانایی تولید بیش از ۱۱۵ اسب بخار را داشت. البته دوام خود را مدیون همکاری مرکز «بوش» می‌دانست. این بنز در مدل‌های مختلف تولید شد و به محبوبیت بالایی رسید.



میان این پرونده، اسپ‌بخار، عصر ایران، پدال، دنیای خودرو و پرش‌روی

چه خودرویی؟ مرسدس بنز ۲۵۰ چه دهه‌ای؟ ۱۳۶۰



۶ سیلندر خراب نشوی بنز را به مدت دو دهه در اختیار ناوگان انتظامی داشتیم که حتی در روزهای سخت جنگ هم دست‌از خدمت برداشت و انصافاً از خوب‌های نیروهای پلیس بود. با داشتن یک موتور ۶ سیلندر و با قدرتی فراتر از ۱۵۰ اسب بخار این بنز توانایی راقبت با هر مدل را داشت و در عمل دست برتری را به مردان قانون می‌داد. بنزهای ۲۵۰ که اول به صورت دنده فرمان (دنده رول) بود بعدها انواع گیربکسی آن هم وارد کشور شد و مورد استفاده قرار گرفت.

چه خودرویی؟ مرسدس بنز W211 (الگاس) چه دهه‌ای؟ ۱۳۸۰

شروع دهه ۸۰ فصل جدیدی از خودروهای ناوگان پلیس را آغاز کرد. وضعیت نسبتاً پایدار اقتصادی آن روزها باعث حضور انواع و اقسام خودروهای روز دنیا در پلیس کشورمان شد. مرسدس بنز W211 که هنوز هم در خیابان‌ها خودنمایی می‌کند، در دهه ۸۰ با قیمت مناسب و البته غرور و وجهه خاصی که بنز به نیروهای انتظامی داد، به ایران آمد. موتور قدرتمند و ۶ سیلندر آن با توانایی تولید ۱۷۵ اسب بخار قدرت، در دهه ۸۰ جاده‌های کشورمان را کاملاً تحت سلطه خود داشت. این خودرو به ایر بگ، سیستم‌های ترمز ABS و بی‌سیم‌های دور برد و بلندگوهای پیشرفته، رایانه و امکانات ماهواره‌ای مجهز است.

چه خودرویی؟ ماکسیمو و تینا چه دهه‌ای؟ ۱۳۹۰

ساخته با کیفیت «پارس خودرو» شاید کمی دیر، اما سرانجام به ناوگان پلیس پیوست. ماکسیمو با موتور قدرتمند ۶ سیلندر خود توانایی‌های بالایی دارد و از پس هر مأموریتی بر می‌آید. در ضمن پس از حضور موفق ماکسیمو، دیگر ساخته با کیفیت پارس خودرو هم انتخاب‌وسوسه‌انگیز و مطمئنی به‌نظر می‌رسید. در اوایل دهه ۹۰ «تینا» با قیمتی در بازه ۷۰ میلیون تومان عرضه می‌شد و حتی با یک دوره افزایش قیمت نیز این سدان جادار ۶ سیلندر با توانایی‌های فنی و هندلینگ فوق‌العاده ارزش خرید بالایی برای خدمت داشت. دوام و کیفیت بالای این خودروها هم باعث شد تا همین امروز، این خودروها در خدمت و البته بدون خرابی‌های متعدد پاسخ‌گوی نیاز پلیس باشند.



و چند خودروی پلیس دیگر

در نهایت می‌توان به این فهرست اسامی دیگری همچون مزدا ۳، مگان، سمند، پژو ۴۰۵، ۲۰۶، زانتیا، سوزوکی گرندویتارا، کیاسر اتوو...، اضافه کرد که هر چند به تعداد بسیار کم اما در سال‌های اخیر به فهرست خودروهای پلیس اضافه شده‌اند و ممکن است کم‌وبیش آن‌ها را در خیابان ببینیم.